

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

برگردان از: دیپلوم انجنیر نسرین معروفی  
۲۴ جنوری ۲۰۱۷

## مصاحبه Die Rote Fahne با دو تن از هبران MLPD بخش اول

"یک دوره باز سازی حزب به آخر می رسد و MLPD" در برابر وظایف عیدیه ای قرار دارد!"

۲۰۱۶/۱۱/۱۸ - نشریه Die Rote Fahne - درفش سرخ- توانست بعد از دهمین کنگره حزبی MLPD - حزب مارکسیست لنینیست المان- و اولین جلسه پولینوم کمیته مرکزی جدید با "شتفن انگل Stefan Engel" و "گابی گرتنر Gabi Gärtner" مصاحبه نماید. هر دو نفر در باره نتایج رویداد ها و وقایع مهم با ما صحبت نمودند. همزمان با آن هر دو در زمینه توسعه و رشد جریانات و وقایع کنونی موقف اتخاذ نموده و از وظایف هیجان انگیز جدید MLPD " برای ما گزارش دادند.



سؤال درفش سرخ: انتخابات در ایالات متحده آمریکا چه معنی دارد؟

جواب شتفن انگل: پیروزی انتخاباتی "ترمپ" در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده یک صدای گوشخراش سیاسی است. این که "ترمپ" رئیس جمهور شده است، تجلی رشد و توسعه چنان بحران امپریالیسم است که روز تا روز عمیق تر شده می رود. در هر حال اکنون یک زمامدار سخت ارتجاعی، ناسیونالیست، نژادپرست و با رفتار فاشیستی به حیث چهل و پنجمین رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا که قدرتمندترین کشور امپریالیستی جهان است، می شود. اجندای ارتجاعی سیاسی وی در بطن خود: سیاست اقتصادی حمایت از تولیدات داخلی، لغو توافق نامه حفاظت محیط زیست، سیاست پناهندگی افراطی ارتجاعی، حذف ریفرم های سیاسی اجتماعی، سیاست خارجی شبونیستی، طرفدار برتری مرد بر زن، حمایت واضح وی از اعمال سرکوبگرانه اسرائیلی ها علیه خلق فلسطین و ... امپریالیسم ایالات متحده آمریکا از زمان ساختار جدید تولید بین المللی در سالهای ۱۹۹۰ در رابطه اقتصادی، سیاسی و نظامی نفوذ و یا نقش خود را به رقبای خود یعنی به کشور های امپریالیستی نوخاسته به شدت از دست داده است.

به خصوص به کشور های امپریالیستی نوحاسته ای مانند چین، روسیه، کوریای جنوبی، برزیل و یا عربستان سعودی. شعار ترمپ "امریکا در وهله اول" عموماً مطابق است به دستور حلقه مرتجعان و مهاجمان سرمایه امور مالی ایالات متحده آمریکا. بدین سان می خواهند تا جایگاه تضعیف شده قدرت جهانی امپریالیسم آمریکا را دوباره تقویت نمایند.

این که بیانیه های مبالغه آمیز ترمپ خواهند توانست واقعیت یابند، مسأله دیگریست. قدرت در ایالات متحده آمریکا همان طوری که در گذشته ها منحصر به رؤسای جمهور آن کشور نبوده، در آینده هم به دست رئیس جمهور که فعلاً ترمپ است، نخواهد بود، عکس آن قدرت به حلقه رهبری کننده انحصارات بین المللی ایالات متحده آمریکا، که آنها به حیث یگانه حکمروای بین المللی امور مالی سرمایه هستند، تعلق دارد. در شرایط کنونی جهان چند قطبی، ایالات متحده آمریکا نمی تواند تا با امر و نهی طوری که می خواهد حکمروائی نماید به درجه اول این توده ها هستند تا با سخنان و گفته های وزین خود در صحبت شرکت کنند. بلا فاصله بعد از انتخابات در ایالات متحده آمریکا به ده ها هزار نفر، مخصوصاً افراد جوان، با تظاهرات سراسری، و در بعضی مناطق ایجاد راهبندان با شعار "ترمپ رئیس جمهور ما نیست" به میدان آمدند. ضدیت علیه ترمپ به آمریکا محدود نمانده، در سراسر جهان توده های میلیونی عدم اعتماد خویش را نسبت به وی ابراز داشتند.

حرکت راست دولت ایالات متحده آمریکا پی آمد سیاسی جهانی خواهد داشت. این گرایش کلی، حرکت راست ارتجاع امپریالیستی را واضحاً نمایان می کند. همچنان رشد و پیشرفت این حرکت برای راستی های افراطی و مرتجعان ناسیونالیست در دیگر کشور های جهان انگیزه و نیرو می دهد، لکن هم تضاد های طبقاتی محسوسی را تشدید و گسترش داده، مبارزات طبقه کارگر و خلق ها را باعث می گردد.

خلاصه قطبی کردن اجتماعی در مقیاس جهانی به طور واضح شدید تر می شود

**سؤال: بدون استثناء پژوهشگران و رسانه های گروهی جمعی با اطمینان پیروزی انتخاباتی "هیلری کلنتن" را پیشبینی می کردند. چطور آنها توانستند چنین اشتباهی را مرتکب گردند؟**

**جواب: شتفن انگل: هیلری کلنتن یک شکست انتخاباتی پرسرو صدا را تجربه کرده است. وی شکست خورد. به همان سان تمام مؤسسات تحقیقاتی و رسانه ها نیز- و اشتباهش این بود که فکر می کرد خواهد توانست نظر به "تجربه سیاسی" با طبقه متوسط ادارات دولتی و نزدیکی بیش از حد با وال استریت به پیروزی دست یابد. در حالی همین نکته از دید توده ها بزرگترین نقاط ضعف وی به شمار می آمد. چه وی صریحاً اعلام داشت: وی تنها کاندید دلخواه حکمروایان امور مالی سرمایه بین المللی و رسانه های جمعی مربوط به طبقه متوسط است، همچنان هدف وی استقرار و تحکیم سیستم سیاسی مدنی می باشد. موضوعاتی که باعث مصیبت انتخاباتی وی شد. زیرا اکثریت بیزار شده مردم ایالات متحده آمریکا نمی خواهند که اوضاع آمریکا طوری که تا به حال بوده به همین منوال ادامه پیدا کند. چیزی که باعث رشد نا رضایتی ها در مناسبات اجتماعی بوده است.**

ترمپ هم با در نظر داشت همین نقطه ضعف، تبلیغات اغواگرانه اش را عیار ساخته، خود را "خارگلو" قدرتمندان نامید. در حالی که وی به حیث میلیارد در هسته قدرت مداران به مانند کرم لای چربو، خود را فرجه ساخته است.

ترمپ یک سیستم دروغین عوام فریبی اجتماعی- دادن وعده های بی پایه و بی اساس و عبارات میان تهی در زمینه حفظ و حمایت مشاغل، رشد زندگانی مرفه برای تمام مردم از طریق تقویت و تحکیم اقتصاد ایالات متحده آمریکا و غیره - را تکامل داد. و سعی نمود تا ارتباط همه را به شکل مغشوش کننده و با سیلی از دروغ با زمینه سازی های ملی

گرایانه از راه تحریک احساسات و توسل به ضدیت با زنان و ضدیت با کمونیست ها، و میلیون ها بار تکرار آن توده ها را تحت تأثیر قرار داده پشتیبانی آنها را به خود جلب نماید.

گزارشگران رسانه های خبری جمعی توده ئی در المان، بعد از این که در ایالات متحده امریکا خلقها در مجموع برای راستی ها جای باز کردند، جمعاً مورد نکوهش قرار گرفته اند. البته در ایالات متحده امریکا قطبی شدن جامعه غیر قابل انکار بوده در کنار رفتار و روش راستی ها، قوت گیری دست چپی ها را نیز می توان مشاهده نمود. امری که در رسانه ها با علاقه مندی مفرطی بدان پرداخته شده، "برنی سنדר" کاندیدی را که در اوایل انتخابات مدت طولانی مساویانه دوشادوش هیلری کلنتن با وجود امکانات مالی بسیار ناچیز و حضور اندک در رسانه های گروهی به مبارزاتش ادامه داد و صریحاً تمایل و گرایش خود را به سوسیالیسم بیان کرد و با موفقگیری خود در زمینه به خصوص جوانان را به هیجان آورد، نمود آن می دانند.

یقیناً ترمپ نتوانست رأی دهندگان دست راستی غیر قابل دسترس را بسیج کند و همچنین افرادی را که فهم و شعور طبقاتی کمتری داشتند. گروه هائی را که رأی دهنده نیستند و با آن که با ۴۰ درصد، قویترین "حزب" به شمار می آیند از دادن رأی خودداری می ورزند، پای صندوق های رأی بیاورد. کسانی را که در میان آنها افراد زیادی هستند، که این مرتبه آگاهانه الیترنتیو های نمایشی را انتخاب نکردند. آنها نیروی ترقیخواه و انقلابی بودند که با شعار "نه طاعون و نه وبا" که خاصاً از طرف جوانان داده می شد، به تظاهرات می پرداختند. به اضافه آن مهاجرانی بودند که حق رأی دادن را نداشتند، نوجوانان و آنهایی که ثبت نام نکرده بودند، که آنها تعلق به نیروی اعتراض کننده علیه ترمپ داشتند نه این که به عنوان حامی و طرفدار وی.

ترمپ رئیس جمهور می شود، با وجودی که حتا ۳۰ فیصد افراد دارای حق رأی وی را انتخاب نکردند. به طور عموم تعداد زیادی از رأی دهندگان تکنیکی عمل به خاطر نبردن هیلری به ترمپ رأی دادند. تمام این ها شکل مضحک دموکراسی مدنی و این که بحران پارلمانترایسم مدنی به یک پدیده عمومی تبدیل شده است، را نشان می دهد. از این رو در میان توده ها در مبارزه انتخاباتی ایالات متحده امریکا، از همه اولتر رشد جست و جوی آنها جهت یافتن یک الیترنتیو اجتماعی را بیان می کرد، که این رشد هم یک پیشرفت بین المللی است. بالاخره در انتخابات ایالات متحده امریکا کمبودی که وجود داشت، حضور واضح دست چپی ها و الیترنتیو های متجددی بود، تا گسترش عوام فریبی ترمپ را به همان سانی افشاء می کردند که از هیلری کلنتن را نموده بودند.

ادامه دارد